

تحلیل

فائزه سادات یوسفی

خبرنگار

در ادامه اهداف مشترک محور عبری-غربی صورت می‌گیرد

واسطه‌سازی برای اداره غزه

درحالی نتانیاهو تلاش می‌کند مدیریت پساجنگ در نوار غزه را به نفع خود ترسیم کند که امریکا از سوی دیگر می‌کوشد که از موج اعتراضات فضای جهانی علیه رژیم صهیونیستی بکاهد. به نظر می‌آید امریکا و رژیم صهیونیستی در صدد هستند، نقشه امنیتی نوار غزه را به نفع رژیم اشغالگر تغییر دهند اما آنچه که مشخص است هر دو از تاکتیک‌های جداگانه‌ای که برآیند آنها در عدم پذیرش آتش بس و تداوم حملات جنون‌آمیز معنا پیدا می‌کند، بهره می‌برند.

یابدن با اظهار وقفه سه‌روزه برای تبادل اسرا به خوبی نقشه راه امریکا را ترسیم کرد، وقفه‌ای که عنوان «بشر دوستانه» را در گفته‌های بلینکن یک می‌کشید، تماماً ایجاد فرصتی برای دستیابی به اهداف مشترک محور عبری-غربی بود. درهمین راستا نتانیاهو با اشاره به اسرای در دست حماس در مقابل درخواست آتش بس به دلیل بحران انسانی فرزاینده در غزه گفت تا زمانی که تمامی آنها آزاد نشوند، آتش‌بسی برقرار نخواهد شد. آنچه کاملاً مشخص است، استفاده از کلیدواژه «بشردوستانه» و ژست «آزادی اسرا» برای تعدیل فضای اعتراضی جامعه جهانی علیه رژیم صهیونیستی و مقابله با فاجعه خورده تا با آزادی اسرای حماس هم نظرات مردم سرزمین‌های اشغالی به کارایی دولت نتانیاهو جلب شود و هم دستاوردی را برای ایالات متحده به ارمغان آورده باشد. چرا که به بن بست خوردن ترافیک دیپلماسی بلینکن در منطقه، فاجعه سیاسی برای امریکا خواهد بود که در مقابل سبب بالا رفتن وزن گروه‌های مقاومت در منطقه خواهد شد. اکنون یکی از ابزارهای فشار که موجب دوره‌گردی امریکا در منطقه شده، ورود گروه‌های مقاومت به صحنه و هدف قرار دادن پایگاه‌های امریکاست. جایی که گمان می‌رود با تداوم حملات یک جنگ منطقه‌ای در انتظار امریکا و رژیم صهیونیستی باشد.



درحالی مواضع مذکور از سوی رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود که آنها در همان ابتدا اعلام کردند که جان اسرای موجود در غزه نمی‌تواند مانع ادامه حملات علیه مردم این منطقه باشد. به معنای جان اسرا اصلاً در اتاق فکر آن‌ها موضوعیت نداشته و تنها دستمایه‌ای برای تسهیل فشارهای وارده و انحراف افکار جهانی از واقعیت‌های میدانی است. به هر روی، فارغ از موضوع آتش بس آنچه که در ابعاد بزرگ‌تر و توسط رژیم صهیونیستی و امریکا درحال پیگیری و مخابره به جهان است، چگونگی اداره غزه به زعم آنها در فردای بدون حماس است. امروزه امریکا که فرمانده اتاق فکر رژیم صهیونیستی است می‌کوشد که تصویری پیروزمندانه از خود در منطقه ارائه دهد.

در همین راستا، نتانیاهو طی دو روز گذشته اعلام کرد که دولت او برای مدت نامعلومی مسئولیت کامل امنیتی در غزه را پس از جنگ برعهده خواهد گرفت. این درحالی است که امریکا می‌کوشد با قرار دادن واسطه‌ای برای اداره غزه، نیت واقعی خود و رژیم صهیونیستی را در تداوم نسل‌کشی کتمان کند و با ارائه چنین طرحی، فضای انتقادی موجود را به سمت دیگری منحرف کند.

بلینکن وزیر امور خارجه ایالات متحده طی دیدار با محمود عباس، ادعا کرد تسکینات خودگردان بهترین گزینه برای اداره این منطقه است. او ادعا کرد که اگر امکان اداره غزه توسط تشکیلات خودگردان فلسطین وجود نداشته باشد، می‌توان حکومت موقت و ترتیبات امنیتی به رهبری دیگر کشورهای منطقه یا آژانس‌های بین‌المللی را در نظر گرفت، اما در نهایت، باید راهکار دو کشوری وجود داشته باشد. همچنین امریکا تلاش می‌کند که وعده اداره غزه به تشکیلات خودگردان و یا برخی کشورهای عرب منطقه را به‌عنوان امتیاز به آنها بفروشد. چرا که مواضع اخیر دولت‌های عرب در نشست‌های اخیر با مواضع امریکا در ارائه آتش بس همخوانی نداشته و لازم است که کاخ سفید نقطه بازگشتی را برای به دور انداختن روابط دنیای عرب با رژیم صهیونیستی کمافی‌السابق به‌وجود آورد. لذا به زعم امریکا وعده مدیریت غزه به اعراب، مسیری است که در آن می‌توان پروژه عادی‌سازی با اعراب را بازسازی کرد و از حجم انتقادات آنها کاست. علاوه بر آن، بلینکن با اظهار حمایت از راه‌حل دو دولتی، تلاش کرده که این راه‌حل مطلوب کشورهای عربی و برخی دیگر از دولت‌های جهان که در نشست قاهره مطرح شده بود را مشروع بداند.

دراین بین، ادعای امریکا از عدم دفاع از طرح کوچک اجباری مردم نوار غزه نشان از آن دارد که طرح کلان اشغال نوار غزه که با واگذاری امریکا در دست رژیم اشغالگر و کوچاندن مردم اجرایی می‌گردد در اهداف امریکا وجود ندارد. از سوی دیگر حاصل تمام این ترتیبات دیپلماتیک امریکا دراین است که آنها ثابت کنند که هدف جنگ غایی آنها یعنی «حذف حماس» درحال کلید خوردن است. این سرآغاز یک جنگ روانی علیه حماس و ادعای غالب بودن جبهه رژیم صهیونیستی با همراهی امریکا و دیگر دولت‌های غربی است. این ترغیب در جهت ناامیدسازی مردم غزه که باوجود همه مصائب همچنان از حماس پشتیبانی می‌کنند قرار دارد و سعی می‌کند که تمام دستاوردهای گروه‌های مقاومت را در ازای شکست حیثیتی رژیم صهیونیستی ناچیز جلوه دهد. تا زمانی که به زعم آنها می‌تواند دست پرتی آنها را در عرصه میدانی و سیاسی نشان داده و مانع از ارائه چهره آشفته غرب در این میدان شود. وزیر خارجه امریکا دراین باره اظهار داشت: «اداره غزه توسط حماس دیگر نمی‌تواند ادامه پیدا کند. این مسأله به منزله دعوت به تکرار ۱۷ اکتبر است. این هم مشخص است که اسرائیل نمی‌تواند غزه را اشغال کند.»

تمام این جمع‌بندی‌ها درحالی شکل گرفته که همچنان موشک‌باران اراضی اشغالی توسط حماس و دیگر گروه‌های مقاومت چون شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی فلسطین درحال انجام است و رژیم صهیونیستی برای تأمین پدافند خود مجبور به اجاره تجهیزات کنبد آهنین از امریکا شد. همچنین روزانه چندین جنگ‌افزار و خودرو زرهی دشمن صهیونیستی و مقرهای نظامی توسط گروه‌های مقاومت و حزب‌الله مورد هدف قرار گرفته و منهدم می‌شوند و شماری از نظامیان صهیونیست نیز هلاک و زخمی می‌شوند. این دست تکاپوهای گروه حماس نشان از این دارد که این گروه باوجود تبلیغات مخرب و فراینده «رسانه‌های غربی-عبری همچنان در صدر مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی قرار دارد.»

با وجود سانسورهای رسانه‌ای، اعتراض‌ها به رژیم صهیونیستی ادامه دارد

۳۸ درصد اعتراض‌های جهان در حمایت از فلسطین است

گزارش

گروه جهان

تظاهرات‌ها در حمایت از مردم فلسطین در شرایطی در جهان همچنان ادامه دارد که رسانه‌های غربی، بنا بر دستورالعملی که دولت‌های این کشورها اعلام کرده‌اند، به سانسور و کوچک‌نمایی این اعتراض‌ها دست می‌زنند. این در حالی است که مرکز مناقشات و رویدادهای جهانی که یک مرکز آماري درباره مناقشات و اعتراض‌هاست، در آماري خیر داده، ۳۸ درصد اعتراض‌ها در جهان مربوط به جنگ غزه است. به گزارش رسانه‌های امریکایی، سه‌شنبه شب نیز در ادامه اعتراض‌های مردم این کشور به جنگ غزه، صدها نفر با در دست گرفتن پرچم فلسطین به خیابان‌های نیویورک رفتند. در همین حال در گوشه‌های دیگر از جهان، در توکیو، مخالفان جنگ علیه مردم فلسطین مقابل محل برگزاری نشست گروه هفت رفتند و با سر دادن شعارهایی آنها را در جنایات رژیم صهیونیستی دخیل دانستند.

تداوم اعتراض‌ها در جهان در شرایطی همچنان به قوت خود باقی است که به نوشته سایت شبکه خبری العالم، رسانه‌های امریکایی و اروپایی در واکنش به تظاهرات جهانی علیه جنایات‌های اسرائیل در غزه و در حمایت از مردم مظلوم فلسطین که پایتخت‌ها و شهرهای مختلف شاهد آن هستند، سیاست سانسور

کل تجمع‌های اعتراضی درباره جنگ غزه

۴۲۰۰

اعداد کلیدی

تجمع‌های اعتراضی در حمایت از فلسطینیان بیش از ۳۷۰۰ درصد	تجمع‌های اعتراضی در حمایت از رژیم صهیونیستی بیش از ۵۲۰ درصد	تجمع‌های خنثی تقریباً ۱۰۰ مورد ۲ درصد
---	---	---------------------------------------

درصد اعتراض‌ها بیش از ۳۰ درصد است زیرا تجمع‌های اعتراضی و تجمع‌هایی که در اعتراض به این تجمع‌ها در همان نقطه و همان روز برگزار شدند، مجزا شمارش شده است.

و فریب افکار عمومی را در پیش گرفته‌اند. بنا بر این گزارش، رسانه‌های امریکایی و اروپایی در مقابل سیل پوشش رسانه‌های مخالف جنگ که صفحات روزنامه‌ها و ساعت‌های بی‌پایانی را در تلویزیون به خود اختصاص می‌دهد، گزارش‌های خود را به تعداد انگشت شماری تظاهرات در مخالفت با جنایات‌های غزه تقلیل داده‌اند. آنها هیچ اشاره‌ای به میلیون‌ها نفر معترضی که علنی مخالف جنگ غزه هستند، نمی‌کنند.

این نوع روایت جهت‌دار در حالی است که پوشش مداومی نسبت به حمله حماس به رژیم صهیونیستی که هفتم این ماه آغاز شد، داشتند و به نوعی به رژیم صهیونیستی برای دست زدن به جنایات خود کمک کردند و در تدارک حمله زمینی این رژیم، به انعکاس بازدید رهبران ارشد غربی از جمله جو بایدن، ریسی سوناگ، اولاف شولتز، امانوئل مکران و ... به تل‌آویو پرداختند و درباره همبستگی این افراد با نتانیاهو بزرگنمایی کردند.

این در حالی است که این نخستین بار نیست که این رسانه‌ها دست به چنین اقداماتی می‌زنند؛ ۲۰ سال پیش نیز زمانی که میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تظاهرات کردند تا به حمله ایالات متحده به عراق اعتراض کنند، روزنامه‌ها و مؤسسات رسانه‌ای غربی همین روال را در پیش گرفتند. در کل این رسانه‌ها جرأت نمی‌کنند به مخالفت فراینده با نقشه‌های جنگی امریکا و شرکای صهیونیستی ایش بپردازند. این به آن دلیل نیست که موضع واشنگتن قوی‌تر است، بلکه کاملاً موضوع برعکس است و نشان می‌دهد براین کشور ضعف و بحران شدیدی مستولی شده است. این ضعف و بحران در جرم‌انگاری صریح اعتراضات علیه جنگ غزه نیز

مشهود است. آنها معتقدند، سرکوب اخبار اعتراضات کافی نیست بلکه باید خود اعتراضات سرکوب شود. در اروپای غربی، پیش‌تر تلاش‌های گسترده‌ای برای محدود کردن شعارهای طرفداران فلسطین، ممنوعیت برافراشتن پرچم فلسطین یا حتی ممنوعیت کامل تظاهرات ضداسرائیلی انجام شده بود.

عملیات طوفان الاقصی در ۱۷ اکتبر و شد، واکنش‌های زیادی را در جهان به هفته و حتی در طول آن، مردم به آماري که مرکز جهانی مناقشات و رویداد در گوشه و کنار جهان برگزار شد

بیش از ده‌ها تجمع اعتراضی در ۱۷ کشور دیده شد که دلیل اصلی آن درگیری‌ها بین حماس و پلیس امان بود. بیشترین این خشونت‌ها در برلین داد. در این درگیری‌ها پلیس صدها نفر از شرکت‌کنندگان تظاهرات را در تجمع‌های مختلف دستگیر کرد.



بیش از ده‌ها تجمع اعتراضی در ۱۷ کشور دیده شد که دلیل اصلی آن درگیری‌ها بین حماس و پلیس امان بود. بیشترین این خشونت‌ها در برلین داد. در این درگیری‌ها پلیس صدها نفر از شرکت‌کنندگان تظاهرات را در تجمع‌های مختلف دستگیر کرد.

بیش از ده‌ها تجمع اعتراضی در ۱۷ کشور دیده شد که دلیل اصلی آن درگیری‌ها بین حماس و پلیس امان بود. بیشترین این خشونت‌ها در برلین داد. در این درگیری‌ها پلیس صدها نفر از شرکت‌کنندگان تظاهرات را در تجمع‌های مختلف دستگیر کرد.

بیش از ده‌ها تجمع اعتراضی در ۱۷ کشور دیده شد که دلیل اصلی آن درگیری‌ها بین حماس و پلیس امان بود. بیشترین این خشونت‌ها در برلین داد. در این درگیری‌ها پلیس صدها نفر از شرکت‌کنندگان تظاهرات را در تجمع‌های مختلف دستگیر کرد.

ژرمن‌ها به قصد توجیه نسل‌کشی صهیونیست‌ها به رویدادهای جنگ جهانی دوم متوسل می‌شوند

قربانی شدن عدالت در کریدورهای سیاسی اروپا

تحلیل روز

فرید حافظ، استاد رشته مطالعات بین‌الملل در دانشکده سیاسی ویلیامز امریکا

مترجم: وصال روحانی

خیابان‌های آلمان برنچیده است.

شولتز اما راه غیرمردمی و مختص خود را طی کرده و در همان روز ۷ اکتبر (۱۵ مهر) که تاریخ آغاز «طوفان الاقصی» بود، دستور داد که در سایت رسمی وزارت کشور آلمان تصویر دروازه براندنبورگ که از انبیه تاریخی و شمالی‌های جغرافیایی این کشور است، به رنگ پرچم اسرائیل درآید. به همین منوال در بیش از یک ماهی که از بمباران بی‌وقفه غزه و شهید شدن قریب به هشت هزار زن و کودک و مجروح شدن فزون‌تر از ۲۸ هزار نفر در جریان این نسل‌کشی بی‌شرمانه می‌گذرد، دولت آلمان حتی یک بیانیه در دفاع از مظلومین و آوارگان غزه منتشر نکرده و کوچک‌ترین گامی در راه متوقف‌سازی مآشین جنگی رژیم صهیونیستی برنداشته است. این در حالی است که تقریباً تمامی دولت‌های عرب و البته هر ملت آزاده‌ای در سطح جهان بابت جنایات عظیم جاری در غزه ابراز تأسف عمیق کرده و از شورای امنیت برقراری هر چه سریع‌تر آتش بس در منطقه جنوب لبنان را طلب کرده‌اند؛ خواسته‌ای که برگوش‌های ناشنای دولت‌های بزرگ غربی ننشسته و موجب ونوی سریع قطعنامه‌های صادره درخصوص قطع محاصمات شده است.

فریادهای شنیده نشده

در جوامع عرب اینک این باور ریشه‌ای قوی‌تر یافته که دولت‌های بزرگ غربی ارزشی برای جان‌های فلسطینی قائل نیستند و فقط برای صهیونیست‌های کودک‌کش سنگ تمام می‌گذارند و این امر حتی در سخنرانی اخیر شاه عبدالله، حاکم اردن نیز مستتر بود. با این حال هستند نهادهایی رسمی و نیمه رسمی در آلمان که در روزهای اخیر پرچم مبارزه با صهیونیست‌ها را در دست گرفته و بر لزوم حمایت از آوارگان میلیونی غزه پای فشرده‌اند. یکی از آنها، شاخه آلمانی سازمان عفو بین‌الملل است که در بیانیه تازه خود آورده است: «این حق مسلم هر انسان و هر گروهی است که اگر ببیند حق یک ملت تصعب و در قبال آن جنایت می‌شود، برای برچیدن آن دست به اقدام بزند و میتینگ خیابانی داشته باشد و لزوم حفظ جان انسان‌های بی‌گناه را فریاد کند. چیزی که دولت فعلی آلمان در قبال رویدادهای یک ماه و اندی اخیر غزه و کرانه غربی نادیده انگاشته است.»

حتی در «بوندس‌تاگ» (پارلمان ملی آلمان) نیز طی

دو هفته اخیر بنرهایی حاوی عبارت «نسل‌کشی در غزه را متوقف کنید» که روی صندلی چند نماینده مجلس تعبیه شده، به چشم خورده است. با این حال، آنچه در کریدورهای قدرت در آلمان و باند‌های رسانه‌ای مرتبط با آن مشاهده می‌شود، یا حمایت آشکار از روند کشتار فلسطینی‌ها و معرفی آنها به عنوان مشت‌ت تروریست است یا ندیده گرفتن کل اتفاقات اسفبار غزه. این مجامع دولتی، حماس و جنبش جهاد اسلامی را شروع‌کننده جنگ جاری نامیده و تأکید کرده‌اند هر اقدامی از سوی دولت نامشروع تل‌آویو فقط برای دفاع از خود و عملیاتی جبرانی بوده است. پیامد این برخوردهای نژادپرستانه قربانی شدن عدالت در آلمان به قصد حفظ جان صهیونیست‌هایی بوده که در جریان طوفان الاقصی سنگین‌ترین ضربات طی ستیز ۷۵ ساله‌شان با ملت فلسطین به آنها وارد شده و بنیادهایشان را سست‌تر از هر زمانی کرده است.

برخورد‌های چکشی با مخالفان

رویکرد حمایتی نیروهای امنیتی آلمان در قبال صهیونیست‌ها و عملیات جنايتکارانه آنها در تظاهرات مردمی این هفته در منطقه شمالی وستفالیای راین کاملاً هویدا بود. آنچه که نیروهای ضد شورش صدها تظاهرکننده طرفدار صهیونیست‌ها را به حال خود گذاشته و یکی دو دوستدار و حامی فلسطین را که به نفع این ملت مظلوم شعار می‌دادند، بازداشت کرده و با خود بردند و از آنها بابت رویکرد سیاسی‌شان بازجویی کرده و تحت فشار شدید روحی قرار دادند. در متن توصیه‌های اخیر وزارت کشور آلمان خطاب به ملت این کشور نیز به وضوح آمده است که فریادها و شعارهایی همانند «فلسطین را آزاد کنید» به مثابه حمایت آشکار از تروریسم است و نباید سر داده شود و چند حزب سیاسی عمده آلمان شامل «اتحادیه دموکرات مسیحی» (CDU) نیز همین دیدگاه را مطرح و تبلیغ کرده‌اند. اضافه بر این، دولت آلمان بلافاصله پس از شروع «طوفان الاقصی» فعالیت‌های گروه سیاسی موسوم به «مقاومت» را از سطح آلمان دیپورت و از این طریق امنیت را در سطح کشور برقرار کنیم، بدیهی است که در خاورمیانه نیز برخی به این نتیجه برسند که باید دردرسازان را اخراج و به‌طور دسته‌جمعی به تقاطی دیگر از آنها وارد جهان رهنمون کنند و این حق را باید برای آنها قائل بود.»

فردریش مرتز، رئیس حزب «CDU» نیز همین اقدامات مشابهی در ایالات متحده در حال انجام است و پیش‌تر در قطعنامه سنای امریکا به وسیله جاش هاوولی جمهوری خواه، تهیه، ارائه و تصویب شده بود. طبق قطعنامه، اعتراضات دانشجویان در دانشگاه هاروارد و بسیاری از مؤسسات آموزشی دیگر محکوم است و ادعا می‌کند که آنها طرفدار حماس و تروریسم هستند. این



کرد. تک‌افراد شاغل در رسانه‌های آلمان هم که صدای اعتراض خود به پاکسازی قومی اجرا شده توسط جنایتکاران صهیونیستی را بلند کرده‌اند، با برخوردی چکشی مواجه شده و به سرعت از اداره و مکان کار خود اخراج شده‌اند. روند اخراج معترضان به نسل‌کشی فلسطینیست‌ها در باره‌گره غزه تا آنجا پیش رفته که حتی یک کارمند ساده در «موزه یهودیت» در شهر برلین که علیه جنایتان صهیونیستی سخن گفته و آپاراتید حاکم بر تل‌آویو را محکوم کرده بود، بلافاصله از این موزه اخراج و خانه نشین شد.

برخورد‌های افراط‌گرایانه

واقعیت امر این است که اولاف شولتز و همگنان او برخوردی از سر افراط‌گرایی با اتفاقات جاری در غزه دارند و نظرات‌شان کاملاً یکسویه و نژادپرستانه بوده است. صدراعظم آلمان حتی در مثال زدن هایش هم قیاس‌هایی را انجام می‌دهد که به سود رژیم غریق‌قانونی تل‌آویو است. وی در مصاحبه اخیرش با نشریه اشپیکل گفته است: «همان‌طور که ما مجبوریم دیرینا زود خیال عظیمی از مهاجران غیرقانونی را از سطح آلمان دیپورت و از این طریق امنیت را در سطح کشور برقرار کنیم، بدیهی است که در خاورمیانه نیز برخی به این نتیجه برسند که باید دردرسازان را اخراج و به‌طور دسته‌جمعی به تقاطی دیگر از آنها وارد جهان رهنمون کنند و این حق را باید برای آنها قائل بود.»

کودکان غزه چگونه

